

ارائه الگوی کرامت انسانی کارکنان در اسلام

علی فلسفی *

غلامرضا معمارزاده طهران **

محمد موسی خانی ***

سید مهدی الوانی ****

دریافت مقاله: ۹۵/۹/۲۵

پذیرش نهایی: ۹۵/۱۰/۲۲



چکیده

این پژوهش کیفی با هدف غایی کشف و ارائه الگوی کرامت انسانی انجام شده است. به این منظور پژوهشگر پس از بررسی ۵۰ عنوان مقاله و کتاب مرتبط با حوزه کرامت انسانی و در باب مفاهیم مختلف دینی، حقوقی (اسلامی، بین المللی) و علمی و با به کارگیری رویکرد کیفی فراترکیب به تحلیل نتایج و یافته‌های پژوهشگران قبلی پرداخته است و با انجام دادن گامهای هفتگانه سندلوسکی و باروسو و ارزیابی روایی و پایایی آن الگوی پیشنهادی با ۳۲ شناسه ارائه شد. این الگو شامل چهار مقوله اصلی جسمی، ذهنی و روانی، عملگری و رفتاری است به گونه‌ای که مقوله اول شامل تندرستی، مقوله دوم شامل خوش بینی و روان‌درستی، مقوله سوم شامل نظم‌گرایی، انتقادپذیری، تعهد، استقلال و آزادی عمل و توانمندسازی و مقوله چهارم شامل عدالت و برابری، خوشرفتاری، حس همبستگی و به رسمیت شناختن در نظر گرفته شده است. کلیدواژه‌ها: کرامت انسانی، اسلام و کرامت، حضرت امام خمینی (ره)، روش فراترکیب در پژوهش، الگوی کرامت انسانی.

* دانش آموخته دکترای تخصصی مدیریت منابع انسانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین

Ali.falsafi@yahoo.com

** نویسنده مسئول: دانشیار گروه مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین gmemar@gmail.com

mosakhani@ut.ac.ir

*** دانشیار گروه مدیریت دانشگاه تهران

alvani@qiau.ac.ir

**** استاد گروه مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین

مقدمه

بی‌توجهی به جنبه‌های انسانی کار، تنها به صاحبان صنایع اوایل قرن بیستم منحصر نمی‌شد؛ بلکه در بررسی کتابهای تاریخی، نبود مدیریت همراه با احساس و عاطفه بر افراد، معمولاً به چشم می‌خورد. این موضوع ادامه داشت تا اینکه ماری پارکر فالت در کتاب «مدیریت پویا» چنین نوشت: «ما باید به خاطر داشته باشیم که هرگز نمی‌توانیم جنبه انسانی کسب و کار را از جنبه‌های مکانیکی آن جدا کنیم. بررسی روابط انسانی در کسب و کار و بررسی جنبه فناوری کار به هم وابسته و پیوسته است» (نژاد سلیم، ۱۳۸۷: ۲).

امروزه جوامع بشری به این نتیجه دست یافته‌اند که فقط با قوانین و مقررات نمی‌توان جامعه یا در مقیاس کوچکتر، سازمان را اداره کرد؛ بلکه در کنار آنها به ابزار دیگری نیاز است که «کرامت انسانی»^۱ نام دارد. توجه به کرامت انسانی افراد در سازمان و صیانت از آن از جمله تفکرات نوینی است که در باب توجه به ارزشهای انسان در سازمان مطرح شده است. سازمانهایی که به صیانت از کرامت انسانی توجه می‌کنند، باعث جلب اعتقاد ذی‌نفعان به خود می‌شود و همکاری آنان را موجب می‌گردد تا جایی که کارکنان و مدیران با یکدیگر برپایه شاخصهای کرامت انسانی رفتار کنند. رفاه، کارایی و وفاداری شکوفا می‌شود (نژاد سلیم، ۱۳۸۷).

یکی از موضوعات بسیار مهم که در مورد امنیت، عدالت، آزادی، رعایت حقوق و آزادیهای اساسی شهروندان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار گرفته، کرامت انسانی است. در این قانون، طبق بند ۶ اصل دوم، کرامت انسانی جزء مبانی اعتقادی نظام جمهوری اسلامی بوده، هم‌تراز اصول اعتقادی، همچون توحید، نبوت و معاد مطرح شده است (حبیب زاده و رحیمی نژاد، ۱۳۸۶: ۵۲).

از طرفی به منظور تداوم طرح تحول نظام اداری کشور در اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۹ سیاستهای کلی نظام اداری کشور - که توجه و اجرای برنامه‌های آن از ضروریات و اهداف هر دستگاه دولتی به شمار می‌رود - در ۲۶ بند توسط مقام معظم رهبری به مسئولین نظام ابلاغ شد که در بند اول آن به برنامه نهادینه‌سازی فرهنگ سازمانی مبتنی بر ارزشهای اسلامی و کرامت انسانی و ارج نهادن به سرمایه‌های انسانی و اجتماعی اشاره شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰).

نظر به اهمیت و ضرورت جایگاه موضوع تحقیق در اسلام و هم‌چنین سیاست‌های بالادستی نظام و از آنجا که تا کنون مطالعه مستقلی به کشف و شناسایی الگوی^(۱) کرامت انسانی در قالب پژوهش کیفی آن هم با استفاده از روش فراترکیب نپرداخته است، این تحقیق کوشیده است تا این خلأ را پر کند.

پژوهشگران بدین منظور در گام‌های ابتدایی تحقیق و با توجه به مطالعات اولیه خود در زمینه موضوع پژوهش، این نکته را دریافتند که پژوهشگران گذشته در زمینه تعریف، انواع و ابعاد مختلف کرامت انسانی اجماع قابل توجهی ندارند (میراحمدی و کمالی گوکی، ۱۳۹۳؛ رحیمی نژاد، ۱۳۹۰؛ نژاد سلیم، ۱۳۸۷؛ نوردونفلت، ۲۰۰۴). بررسیها نشان می‌دهد که از دید برخی از صاحب‌نظران، دلیل اصلی تحقق نیافتن چنین اجماعی، توجه مناسب نکردن به ماهیت چندوجهی کرامت انسانی بود. با توجه به پراکندگی پژوهشها در حوزه کرامت انسانی (که شامل حوزه‌های مختلفی همچون مذهب، سلامت، فقه، حقوق «حقوق اسلامی، جزا و حقوق بین‌الملل» و علوم انسانی و اجتماعی مثل مدیریت و... می‌شد)، احتمال طراحی الگوی جامعی که بتواند امکان استفاده در سازمانهای دولتی ایران را داشته باشد، ضعیف جلوه می‌داد. بنابراین اتخاذ روشهای ترکیبی ضروری به نظر رسید که می‌توانست حاصل پژوهشهای گذشته را به صورت نظام‌مند در بیاورد و به پژوهشگران در دست یافتن به الگوهای منظم یاری رساند. بر این اساس رویکرد نسبتاً جدید فراترکیب، که هنوز به طور گسترده در این حوزه استفاده نشده است و می‌توانست ابزار ارزشمندی برای آسان‌سازی در روش ساخت نظری از طریق ترکیب نظام‌مند باشد برای تبیین و ارائه الگوی مفهومی پژوهش انتخاب شد. این پژوهش با هدف ارائه الگوی جامع کرامت انسانی نوشته شده است.^(۲)

مبانی نظری پژوهش

مفهوم کرامت همانند هر مفهوم دیگری حاصل توافق انسانها بر سر تعریف آن است و در هر کدام از مکاتب و فلسفه‌ها و دایره المعارف‌ها تعاریف مختلفی دارد ولی از دید اندیشمندان مذهبی و دینی معانی یکسانی ندارد؛ چرا که هر یک از مکاتب فلسفی و دینی بر اساس باورها و اعتقادات و حتی تأثیرات محیطی، الزامات و معیارهای متفاوتی برای این مفهوم معنا کرده‌اند. در این بخش به

منظور روشن شدن مفهوم کرامت، معانی مختلف آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

معنی لغوی کرامت

کرامت در لغت معانی مختلفی دارد که مهمترین آنها عبارت است از: ارزش، حرمت، حیثیت، بزرگواری، عزت، شرافت، انسانیت، شأن، مقام، موقعیت، درجه، رتبه، جایگاه، منزلت، نزاهت از فرومایگی و پاک بودن از آلودگیها، احسان و بخشش، جوانمردی و سخاوت (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۶۰۷۰).

ترجمه انگلیسی واژه کرامت انسانی، شرف، افتخار، استحقاق احترام، عنوان، رتبه و مقام، امتیاز و شرافت برجسته است (گامر^۱، ۱۹۹۱: ۴۶۶).

در دایره المعارف انگلیسی آکسفورد در مورد معنای واژه کرامت^۲ چنین آمده است: واژه کرامت از واژه لاتینی «دیگنیتاس»^۳ گرفته شده و به معنای شرافت، حیثیت، افتخار و استحقاق احترام است (پیرسال و ترامبل^۴، ۱۹۹۶: ۳۹۸).

معنی اصطلاحی کرامت

کرامت در اصطلاح علم کلام و اخلاق، توان، شایستگی و شأنی است که خدواند متعال به انسانهای وارسته و پرهیزگار می‌بخشد که آنان در سایه آن، کارهایی را انجام می‌دهند که دیگران قادر به آن نیستند (سیدی نیا، ۱۳۸۷: ۱۱۷).

این اثر در معنای کرامت آورده است: کرامت دربردارنده همه انواع خیر و نیکی و شرف و فضیلت‌ها است (خالقی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۳).

آیت‌الله جوادی آملی در بیان معنای کرامت آورده‌اند: کرامت همان نزاهت از پستی و فرومایگی است. کریم غیر از کبیر و عظیم است (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۱). هم‌چنین ایشان معتقدند که کرامت، معادل دقیق فارسی ندارد و برای بیان آن از چند لفظ باید استفاده کرد. اگر انسان به مقامی برسد که در برابر خدا عبودیت محض پیدا کند و حاضر نباشد در مقابل غیر خدا سر بر زمین بساید، می‌توان گفت به مقام «کرامت» رسیده است؛ یعنی انسان هر چه به عبودیت محض نزدیکتر شود به همان مقدار از هوان و حقارت رهایی پیدا می‌کند و به کرامت می‌رسد. اگر به حد

1 - Gamer

2 - Dignity

3 - Dignitas

4 - Pearsall & Trumble

نهایی عبودیت رسید به طور کامل از حقارت می‌رهد و این، همان کرامت مطلق است و اگر بهره‌ای از عبودیت خدا نداشته باشد، حقیر مطلق است و از کرامت بویی نمی‌برد (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۲۰۴).

معنی کرامت در قرآن

ریشه «کرم» و مشتقات آن در قرآن با صیغه‌های متفاوت ۴۷ بار (در ۲۹ سوره و ۴۶ آیه) وارد شده است. این وصف هم برای توصیف خالق و هم برای توصیف مخلوق به کار برده شده است. در اینجا به چند مورد آن اشاره می‌شود: (افضلی، ۱۳۸۹: ۸۶).

- توصیف پروردگار: سوره علق، آیه سه «اقرأ و ربك الاكرم»

- توصیف فرشتگان: سوره الحاقه، آیه چهل «انه لقول رسول كريم»

- توصیف قرآن: سوره واقعه، آیه هفتاد و هفت «انه لقرآن كريم» و کتابهای آسمانی، سوره

عبس، آیه سیزده «فی صحف مكرمه»

- توصیف نعمت‌های الهی: سوره اسراء، آیه بیست و شش «رزق كريم»

- توصیف و تکریم انسان: سوره اسراء، آیه هفتاد «لقد کرنا بنی آدم»

معنی کرامت در روایات

برای آگاهی بیشتر از اهمیت این واژه در منابع اسلامی کافی است گذرا به سخنان و نامه‌های حضرت علی (ع) در نهج البلاغه توجه کنیم که در آنجا مشتقات این واژه حدود ۸۰ بار تکرار شده است (افضلی، ۱۳۸۹: ۸۶).

«بار خدایا، جانم را اول عضو با ارزشی از اعضای با ارزشم قرار ده که از من می‌ستانی و

نخستین ودیعه از ودایع نعمت بر من که باز می‌گردانی.»

دیدگاه‌های مختلف کرامت انسانی

در این قسمت از رساله به برخی از دیدگاه‌هایی اشاره می‌شود که توسط ادیان، علمای دینی و

صاحب‌نظران و اندیشمندان در ارتباط با کرامت انسانی ارائه شده است.

کرامت انسانی از دیدگاه ادیان

دیدگاه اسلام

در منابع اسلامی، کرامت انسانی با صراحت بیشتری مورد شناسایی و تأکید قرار گرفته است

به طوری که همه افراد انسانی باید دارای حق کرامت باشند و کرامت را برای همدیگر به عنوان حق بشناسند و خود را در برابر آن حق، مکلف ببینند (اسراء/ ۷۰؛ جعفری، ۱۳۷۰: ۲۸۰). در متون اسلامی روح انسان به منزله شیء نفیس تلقی می‌شود و اخلاق خوب به عنوان اشیای متناسب با این شیء نفیس و اخلاق رذیله به عنوان اشیای نامتناسب با این شیء نفیس تلقی شده است که آن را از ارزش می‌اندازد. در این تعبیر، انسان دارای سرمایه بسیار پر ارزش تلقی می‌شود که آن همان خود اوست و به انسان می‌گویند مواظب باش که این خود (یعنی مبنای کرامت خویش را) از دست ندهی یا نیالی؛ زیرا این «خود» بسی ارزشمند و نفیس است.

امیرالمؤمنین (ع) در نامه‌ای خطاب به امام حسن (ع) می‌فرماید: «نفس خویش را از هر پستی، بزرگ و برتر بدار؛ آنچه از نفس خود بیازی عوض ندارد. نفس خود - یعنی انسانیت خود - را نباز که آن، یگانه تعبیر نفیس و ثمین بودن (کرامت انسان) و اینکه این عطیه با ارزش را که مافوق هر ارزشی است نباید از کف داد که بعد از آن به سوگش نشستن را اثری نشاید (نهج البلاغه، خطبه ۱۴).

پیامبر مکرم اسلام (ص) اساس رشد و اصلاح امت را بر پرورش و ایجاد کرامت و عزت نفس در آن می‌دانست و همواره کرامت در نگاه، رفتار، گفتار و در برخورد‌های ایشان اظهر من الشمس بود (صالحی و عباسی، ۱۳۹۰: ۵۷). امام هادی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «هرکس نفس خویش را پست بداند از شر وی ایمن مباش» (تحت العقول: ۵۱۲ به نقل از: مؤید نیا، بی تا: ۷۵۱). هر کسی اگر به ذات خود مراجعه کند، عیاناً می‌بیند یک سلسله صفات با او متناسب است و یک سلسله صفات را دون شئون خود و پستی و حقارت می‌داند (باقری، ۱۳۸۶: ۱۸۷).

انسان از دیدگاه اسلام شخصیت و کرامتی دارد که او را در رفیعترین منزلت در میان پدیده‌های هستی قرار می‌دهد؛ زیرا خداوند در قرآن فرموده است «ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا حمل کردیم و از انواع روزیهای پاکیزه به آنان عطا کردیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم» (صالحی و عباسی، ۱۳۹۰: ۶۰). از دیدگاه اسلام، انسان دو نوع کرامت دارد: کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

۱ - کرامت ذاتی: به طور تکوینی، قابلیت و تواناییهای خاصی به انسان داده شده که برای کسب آنها تلاشی نکرده است. به این استعداد انسانی کرامت ذاتی گویند که حاکی از عنایت و لطف ویژه خداوند به نوع بشر است و کرامتی است که همه انسانها آن را دارا هستند و دارا بودن این

کرامت مایه فخر انسان و خودخواهی وی نیست بلکه مایه ستایش خداوند متعال است که چنین موجودی را با این ویژگی‌های عالی آفریده است (سیدی نیا، ۱۳۸۷: ۱۱۸)؛ به بیانی دیگر مقصود از کرامت ذاتی این است که خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که در مقایسه با برخی موجودات دیگر از لحاظ ساختمان وجودی از امکانات و مزایای بیشتری متنعم است و یا تنظیم و ساختار امکاناتش به شکل بهتر صورت پذیرفته و در هر حال از دارایی و غنای بیشتری برخوردار است. این نوع امکانات در واقع حاکی از عنایت ویژه حق تعالی به نوع انسان است و تمام انسانها از آن متنعم هستند. بنابراین هیچ کس نباید به دلیل برخورداری از آن بر موجودی دیگر فخر بفروشد و آن را ملاک ارزشمندی و تکامل انسانی خود بداند؛ چرا که این کرامت به اختیار انسان ارتباطی ندارد و نوع انسان، لاجرم از این کرامت متنعم است (صالحی و عباسی، ۱۳۹۰: ۴۶).

آیت‌الله مطهری در بیان معنای کرامت ذاتی انسان آورده‌اند که: «از اینکه انسان بما هو انسان عزیز و شریف و ارجمند است و نیز در تدوین حقوق بشر آنچه مبنای اصلی قرار گرفته است، ملاحظات انسان از آن حیث است که انسان است؛ نه معیارهایی چون رنگ، نژاد، زبان، جغرافیا، طبقه اجتماعی، اعتقاد دینی و...» (مطهری، ۱۳۷۹: ۲۲۷).

۲ - کرامت اکتسابی: مقصود از کرامت اکتسابی، دستیابی به کمالاتی است که انسان در پرتوی تقوا، ایمان و عمل صالح خود به دست می‌آورد. این نوع کرامت برخاسته از تلاش انسان، و معیار ارزشهای انسانی و ملاک تقرب در پیشگاه خداوندی است. با این کرامت است که می‌توان واقعاً انسانی را بر انسان دیگر برتر دانست. همه انسانها استعداد رسیدن به این کمال و کرامت را دارند؛ ولی برخی به آن دست می‌یابند و برخی فاقد آن می‌مانند (صادق پور، ۱۳۸۶: ۵۵).

همچنین کرامت اکتسابی آن نوع شرافتی است که انسان به صورت ارادی و از طریق به کار انداختن استعدادها و توانایی ذاتی خود در مسیر رشد، کمال و کسب فضایل اخلاقی به دست می‌آورد؛ به عبارت دیگر هرچند همگان دارای شئون و حیثیت برابرند، انسان قادر است با به کار انداختن استعدادهای جمیل خود مراتب کمال انسانیت را طی کند و به مدارج عالی ارتقا یابد؛ بدین ترتیب، رفتار انسانی منزلتهای متفاوتی را ایجاد می‌کند. در نتیجه، افراد نسبت به یکدیگر برتری پیدا می‌کنند (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۰۱).

کرامت ذاتی اساساً چون برای تمام انسانها برابر است، نمی‌تواند منشأ نابرابریهای سیاسی و اجتماعی باشد و به همین دلیل مبنای قوانین حقوقی است. کرامت اکتسابی نیز هیچ‌گونه برتری

برای صاحب خود در عرصه سیاسی و اجتماعی به دنبال نمی‌آورد؛ چنانکه امام علی(ع) تصریح فرمودند تقوای مؤمنان و یا خدمات ویژه‌ای که آنان برای دین خدا انجام می‌دهند، هیچ مابه‌ازای دنیوی ندارد و هیچ‌گونه برتری و امتیاز در حوزه سیاست و اجتماع برای آنان به بار نمی‌آورد و ثواب و اجر اینان در آخرت با خداوند تعالی است (علیخانی، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

با توجه به این مطالب، اهمیت این نوع از کرامت ذاتی بیشتر است؛ زیرا در اینجا علم، ایمان، تقوا و تلاش انسان تعیین‌کننده است و بدون آن میسر نمی‌شود. به همین دلیل گاه از آن به ارزش عالی تعبیری می‌شود (افضلی، ۱۳۸۹: ۸۸).

دیدگاه یهودیت

از آنجا که در آیین یهود، عقیده بر این است که انسان بر صورت الهی خلق شده است، کیفیت قضاوت و ارزیابی آنها از ذات انسان به مقدار قابل توجهی تابع چگونگی قضاوت آنها نسبت به ذات الهی است. در دین یهود، مضمون اخلاقی خلق انسان به صورت خدا، دو موضوع را ایجاد کرده است: اولی قوانین اخلاقی خاص نظیر اینکه «همنوع را مانند خودت دوست دار»؛ زیرا او نیز مانند تو به صورت خدا خلق شده است و دیگری، محتوای عام و فراگیر تورات؛ امری که بویژه در مورد پیامبران باستانی نظیر اشعیا، ارمیا و حزقیل کاملاً روشن است. از آنجا که انسان به صورت خداوند خلق شده، کسب والاترین درجه ممکن از کمال و خودشناسی در این است که خود را حتی الامکان، متشبه به خداوند گرداند. این معنا را می‌توان اساس و شالوده مهمترین اصل اخلاقی تورات، یعنی تقلید کردن از خدا دانست (صالحی و عباسی، ۱۳۹۰: ۵۱).

دیدگاه مسیحیت

ارکان اخلاق مسیحی در هفت عنوان مرتب شده، چهار عنوان شامل ارزشهای طبیعی است و سه مورد دیگر ارزشهای الهیاتی است که با عنایات ویژه الهی تحقق می‌یابد. ارزشهای طبیعی (زهد، اعتدال، شجاعت و عدالت) به آموزه‌های فلسفی سقراط، افلاطون و ارسطو بر می‌گردد. عالمان اخلاق مسیحی، مانند آگوستین و توماس آکوئیناس، این چهار اصل را عقلانی یافته‌اند. مسیحیت به این چهار ارزش طبیعی سه اصل الهیاتی دیگر نیز افزوده است: ایمان، امید و عشق.

اصطلاح کرامت انسانی اگر چه بیشتر در عصر روشنفکری شایع شد، مفهوم آن در مکاتب فلسفی و سنتهای دینی ریشه‌ای کهن دارد. در مسیحیت مبنای کرامت انسان را نظریه «انگاره خدا»^۱

می‌دانند. در آیه ۲۶ از کتاب اول سفر پیدایش تورات آمده است که: «خدا انسان را به صورت خود آفرید». به عقیده توماس آکوئیناس، فیلسوف مسیحی، این صورت به این دلیل است که انسان دارای روح مجرد و موهبت عقل و اراده آزاد است که به او امکان شناخت مستقیم و عشق‌ورزیدن به خدا را می‌دهد. ریشه دیگر کرامت انسانی در این است که شخص انسانی مأمور است که به‌عنوان فرجام‌نهایی خود در جهت اتصال و اتحاد شخصی با خدا باشد. این به معنی آن است که مشیت الهی خاصی نسبت به آحاد انبای بشر وجود دارد که در مورد مخلوقات مادون صادق نیست که قابل چنین اتحاد بی واسطه‌ای با خدا نیستند. بنابراین، حیات هر کس را خدا به مشیت خود بدین گونه تنظیم کرده است و هیچ مخلوقی، اعم از پادشاه یا دولت یا گروه انسانی دیگری، حق ندارد در این نظم الهی خللی وارد کند و انسانها را ابزاری برای رسیدن به اهداف خود قرار دهد (صادقی، ۱۳۸۵: ۱۲۲ و ۱۲۱).

کرامت انسانی از دیدگاه علمای اسلامی

دیدگاه امام خمینی (ره)

دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) در ارتباط با کرامت انسانی را می‌توان با نظریه اقتضا توضیح داد. در این نظریه کرامت ذاتی بخشی از کرامت اکتسابی است. می‌توان گفت، کرامت ذاتی، اصولی را برای انسان اثبات می‌کند اما حدود و شرایط آن به عهده شرع و قانون الهی است. در این نظریه در واقع کرامت اکتسابی تعیین‌کننده است؛ یعنی اگر چه انسان از آغاز تولدش دارای کرامت فطری و خدادادی است، انسان با توجه به قوه اختیاری که دارد، می‌تواند این کرامت را از خودش سلب، و یا آن را تقویت کند؛ بنابراین کرامت ذاتی انسان مقوله‌ای نیست که همواره باشد بلکه با کرامت اکتسابی فعلیت می‌یابد (رجبی، ۱۳۸۰: ۱۹).

امام خمینی در بیانیه هشت ماده‌ای خود با تأکید بر هر دو جنبه کرامت هم به ارزش و هم به حیثیت ذاتی افراد توجه کرده است و اصول مهم و اساسی همچون حفظ منزلت و کرامت انسان را در حوزه‌های احساس امنیت، اجرای عدالت، ممنوعیت اعمال غیر انسانی، جلوگیری از خودسریها، عدم تجسس در حوزه فردی افراد، چشم‌پوشی از خطاهای شخصی و خصوصی که آثار حقوقی ندارند، آرامش و امنیت قضایی، ممنوعیت از اهانت به انسان و... نکات دیگری را که بر پایه کرامت و منزلت انسان استوار است استخراج کرد و هم‌چنین با توجه به کرامت اکتسابی انسان حفظ نظام حکومت دینی، اجرای صحیح و دقیق قانون و... به دست آورد. این پیام دربردارنده چند

نکته کلی و اساسی در راستای رعایت کرامت ذاتی و تحقق کرامت اکتسابی و ضایع نگشتن حقوق انسان است (میر احمدی و کمالی گوکی، ۱۳۹۳: ۴۷).

دیدگاه علامه طباطبایی

علامه طباطبایی درباره کرامت انسان معتقد است: «مقصود از کرامت، اختصاص دادن به عنایت و شرافت دادن به ویژگی است که در دیگران نباشد و با همین ویژگی است که معنای تکریم با تفضیل فرق پیدا می‌کند؛ چون تکریم معنایی است نفسی و در تکریم کاری به غیر نیست، بلکه تنها شخص مورد تکریم مورد نظر است که دارای شرافتی و کرامتی بشود؛ به خلاف تفضیل که منظور از آن این است که شخص مورد تفضیل از دیگران برتری یابد در حالی که او با دیگران در اصل آن عطیه شرکت دارد» (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۲۱۴).

علامه طباطبایی دیدگاه‌های مفسران را درباره منشأ و علت گرامی شدن انسان چنین نقل می‌کند: (۱) قوه نطق و گویایی داشتن (۲) مستقیم القامه بودن (۳) انگشتان دست انسان به گونه‌ای است که قادر است بسیاری از کارها را انجام دهد. (۴) با دست غذا خوردن (۵) خط نوشتن (۶) حسن صورت (۷) تسلط بر بسیاری از مخلوقات و تسخیر آنها (۸) آفرینش انسان به دست خداوند (۹) قرار دادن حضرت محمد(ص) به عنوان پیامبر برای انسانها. وی سپس می‌نویسد: هیچ‌یک از این دیدگاه‌ها صحیح نیست. آدمی در میان سایر موجودات عالم از ویژگی خاصی برخوردار، و به همین روی از دیگر موجودات جهان ممتاز گشته است. بی‌گمان این ویژگی، عقلی است که بدو داده شده است تا با آن، حق را از باطل، خیر را از شر و نافع را از مضر تمیز دهد. برخی از عللی که در آغاز برشمردیم (خط، نطق و تسلط بر سایر مخلوقات) پس از داشتن عقل پدید می‌آیند و برخی از آنها نیز مصادیق تفضیل است، نه تکریم را که در سایر مخلوقات نیز کم و بیش وجود دارد (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۲۱۵).

دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

استاد جوادی آملی معتقد است کرامت انسانی جزء اعتباریات نیست بلکه واقعیتی است همانند کریم بودن فرشتگان و قرآن و تمام اینها مظاهر کرامت خداوند هستند. هنگامی که بپذیریم انسان گوهری کریم و ارزشمند است، خواه ناخواه بر این باور خواهیم بود که نه تنها آزادی، امنیت و... حق اویند، بلکه باید به گونه‌هایی تفسیر و تنظیم شوند که با کرامت وی سازگار باشند (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۱۶۳).

رشد واقعی انسانها در پناه ایمان به دست می آید. خداوند در قرآن می فرماید: «پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه یابند (و به مقصد برسند)». استاد جوادی آملی در این باره می فرماید: مایه کرامت آدم و نسل آدم، همان روح الهی اوست و این روح الهی را خداوند به انسان داد.

ایشان معتقدند روح الهی مایه امتیاز انسان و منشأ کرامت او است. ایشان اشاره می کنند که خداوند، بدن را به گل نسبت داد و روح را به خودش با اینکه گل و روح هر دو از آن اوست و این معلوم می دارد که آدم از این کرامت برخوردار است که روح الهی بدو افزوده شده است و همین افزوده روح الهی مایه مسجود شدن او بود. امتیاز انسان از سایر حیوانات نیز در همین روح الهی است (جوادی آملی، ۱۳۶۶: ۹۸ و ۹۷).

همچنین استاد معتقدند اگر کرامت به عنوان مقصد شارع در برخی از آموزه های اخلاقی و احکام تلقی نشود، تحقیقاً ملاک بعضی از آنها به شمار می آید. ملاک بسیاری از حقوق انسانها، انسان بودن آنهاست. حق آزادی تفکر و اندیشه، حق امنیت فردی و اجتماعی از جمله حقوقی است که انسان از آن روی که انسان است از آن بهره مند خواهد بود. برخی از عالمان معاصر معتقد هستند کرامت انسانی، ارزش نظری است که می تواند جنبه عملی پیدا کند و به همین دلیل، همه آموزه های اخلاقی و حقوقی باید با عنایت به این اصل نظری و در سازگاری با آن تنظیم شود (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۱۸۷).

کرامت انسانی از دیدگاه اندیشمندان و صاحب نظران غربی

دیدگاه اوماتونا

دونال اوماتونا^۱ در تحقیقی کرامت انسانی را در چهار بعد طبقه بندی کرد: (اوماتونا، ۲۰۱۳: ۱۰۱ تا ۱۰۳).

۱ - کرامت ذاتی^۲: کرامتی که شامل ترکیب پیچیده ای از تواناییهای عقلایی، عاطفی و ارتباطی انسانها و یا تواناییهای ویژه انسانها برای داشتن استقلال و خودمختاری است. کرامت ذاتی اغلب با انسان بودن در ارتباط است و در حالت کلی تر، کرامت ذاتی مبتنی بر نوع خاصی از بودن و نه ضرورتاً انسان بودن.

1 - Donal P. Omathuna

2 - Inherent Dignity

۲ - کرامت اکتسابی^۱: در مفهوم کلاسیک از کرامت به انسان و شخص بزرگی اشاره شده است؛ برای مثال افرادی که ما به آنها به دلیل موقعیتشان افتخار می‌کنیم و مورد احترام قرار می‌دهیم، مثل مدال آورندگان طلای بازیهای المپیک از این نوع کرامت برخوردارند.

۳ - احساس خود کرامتی^۲: برای مثال افرادی که در حال شکنجه شدن هستند، احساس می‌کنند که کرامتشان نقض شده است یا زمانی که دیگران به ما احترام می‌گذارند، احساس می‌کنیم که مورد تکریم قرار گرفته‌ایم. آسیب به کرامت انسانی ممکن است عوارض جانبی سوئی داشته باشد؛ چه در جنبه‌های جسمی و چه در ابعاد روحی، اجتماعی و روانی.

۴ - اقدام بر خلاف صیانت از کرامت نفس: ما انسانها به دلیل برخی از شرایط بر خلاف آنچه تمایل داریم، عمل می‌کنیم. این اقدام در ارتباط با حفظ کرامت نیز می‌تواند وجود داشته باشد؛ برای مثال وقتی ما به پزشک مراجعه می‌کنیم به پزشک اجازه می‌دهیم که قسمت‌های خاصی از بدنمان را معاینه کند که در وضعیت عادی و عرف اجتماعی پوشیده است.

دیدگاه امانوئل کانت

آثار اخلاقی کانت، پایبندی استوار وی را به آزادی و حیثیت انسانی بخوبی نشان می‌دهد. کانت تعهد احترام به حیثیت انسان و آزادی او را، همچون وحی‌مداران بر مبنای فرمان الهی و همچون «هیوم»^۳ محصول ترجیحات و امیال و عواطف انسانی^(۳) و یا محصول اراده حکومتها و یا مقتضیات اجتماعی نمی‌داند، بلکه تکلیف و تعهد به احترام به حیثیت دیگر انسانها را صرفاً بر مبنای عقلانیت توجیه می‌کرد (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۲: ۱۰۸). کانت با طرح نظریه کرامت ذاتی انسان می‌گوید: مبنای اصل این کرامت را در توانایی روحی و اخلاقی برای وضع قوانین فراگیر اخلاقی و به عبارت دیگر در «خودمختاری اخلاقی و استقلال ذاتی» او باید جستجو کرد. وی می‌گوید: آنچه به ما کرامت و ارزش می‌دهد، «انسانیت» ما است؛ یعنی شخصیت اخلاقی که ما را بر جانوران محض به مراتب برتری می‌بخشد. جانوران را غرایزشان راهنمایی می‌کند، ولی ما انسانها موجوداتی آزاد و «خودآیین»^۴ و «خودقانونگذار»^۵ هستیم (سالیوان، ۱۳۸۰: ۱۰۹).

1 - Circumstantial Dignity

2 - our own sense of our dignity

3 - David Hume

4 - Autonomy

5 - Self- legislating

کانت در جای دیگر از کتاب خود به نام «بنیادهای ما بعدالطبیعه اخلاق» در این باره می گوید: «آنچه به هر کس کرامت می دهد، نه مقام و موقعیت اجتماعی، بلکه نیروی فطری عقل است و نیز توان هر فرد از زن و مرد برای اینکه بیندیشد و تصمیم بگیرد که نه تنها به زندگی خود شکل دهد بلکه با وضع قوانینی که ساختار قانونی زندگی همه کس را تشکیل دهد به حفظ و ترویج احترام متقابل مردم یاری رساند (سالیوان، ۱۳۸۰: ۴۵). به عقیده کانت، توانایی تفکر مستقل برای تشخیص اینکه چه چیزی اخلاقاً درست و چه چیزی نادرست است به دلیل توان تعقل و استدلال آدمی در همه کس «ذاتی»^(۴) است. همه را دارای توان خودآیینی دانستن بدین معنا است که قوانین بنیادی دولت باید یکسان و برابر، شامل همه کس شود. البته به عقیده کانت، تساوی مدنی به معنای برابری از حیث مال و قدرت و جریمه کردن افراد برتر از نظر روحی و جسمی نیست... آنچه تساوی سیاسی و مدنی به آن نیاز دارد، فرصت و امکان برابر است؛ بدین معنا که هر کس مجاز باشد برای رسیدن به هر وضع و مقامی که آرزومند است در محدوده امکانات جامعه آزاد تلاش کند و هیچ کس نباید غیر قانونی مانع رسیدن دیگران به آرزوهایش شود (سالیوان، ۱۳۸۰: ۴۶).

به طور خلاصه، رشته‌های اصلی تفکر کانت در مورد کرامت انسانی را به شرح زیر می توان بیان کرد:

- ۱ - کرامت انسانی به ارزش انسان اشاره دارد.
 - ۲ - کرامت، ارزشی است که تمام انسانها به طور ذاتی و مساوی از آن برخوردارند.
 - ۳ - کرامت انسانی با استقلال و خودمختاری ذاتی انسان ارتباط عمیق و تنگاتنگی دارد.
 - ۴ - کرامت انسانی به طور اجتناب ناپذیر با عقلانیت خودآگاه انسان مرتبط است.
 - ۵ - کرامت انسانی مبنای حقوق مساوی بشر است (دریک و روگر، ۲۰۰۱: ۵۳).
- البته برای تکمیل نظریه خودمختاری اخلاقی در تبیین اندیشه کرامت انسان لازم است در کنار این نظریه، نظریه کرامت مبتنی بر وحی نیز مورد توجه قرار گیرد.

سابقه پژوهش

پژوهشهای مختلفی در زمینه کرامت انسانی و جوانب آن انجام شده است. با توجه به اینکه در ارائه الگوی پیشنهادی پژوهش از یافته‌ها و محتوای پیشینه تحقیقات بهره گرفته‌ایم در این قسمت به

برخی از مطالعات داخل و خارج از کشور در قالب جدول شماره ۱ اشاره می‌شود.

جدول ۱: پیشینه مطالعات کرامت انسانی در داخل و خارج از کشور

| نویسندگان | یافته‌های پژوهش |
|----------------------------------|---|
| طاهری (۱۳۸۴ الف) | در این تحقیق به اسباب و زمینه‌های کرامت انسان از دیدگاه نهج البلاغه پرداخته شده است: ۱ - خداباوری ۲ - خودباوری ۳ - هدایت پذیری ۴ - مسئولیت پذیری ۵ - معرفت ۶ - عبادت و بندگی ۷ - خدمت به خلق |
| طاهری (۱۳۸۴ ب) | در این تحقیق به عوامل ناقض کرامت انسان از دیدگاه نهج البلاغه پرداخته شده است: ۱ - جهل زدگی و انحراف از فطرت انسانی ۲ - غفلت و فساد زدگی ۳ - بی‌توجهی به نقض قانون و مقررات ۴ - روحیات ناپسند ۵ - ذلت‌پذیری در برابر دشمن ۶ - خیانت در امانت ۷ - دوستان ناباب ۸ - عوامل زیست محیطی ۹ - از خودبیگانگی ۱۰ - باورهای غلط ۱۱ - آلودگی به صفات ناپسند ۱۲ - رفتارهای نادرست ۱۳ - تنبلی و تن‌پروری |
| علیخانی (۱۳۸۵) | در این تحقیق به عوامل و مبانی کرامت انسان اشاره شده است: الف) عوامل کرامت انسانی: ۱ - وقوف بر کرامت انسانی ۲ - تعالی روحی و معنوی ۳ - آموزش ۴ - آزادی ۵ - عدالت ۶ - احترام ۷ - رفاه ب) مبانی کرامت انسانی: ۱ - عقل ۲ - بعد الهی انسان ۳ - فهم و ادراک ۴ - وحدت جوهری بشریت |
| غفارزاده (۱۳۸۶) | در این تحقیق به عوامل نقض کرامت ذاتی و عوامل ارتقای کرامت تشریحی انسانها پرداخته شده است: الف) عوامل نقض کرامت ذاتی انسانها: ۱ - حيله‌گری ۲ - ستمگری و جدال‌پیشگی ۳ - شتابگری ۴ - دنیاپرستی ۵ - ضعیف بودن در موقع رنج ۶ - حریص بودن ۷ - تابع هوا و هوس بودن ۸ - بخل ۹ - طغیان به هنگام بی‌نیازی ۱۰ - ناسپاسی ۱۱ - مأیوس شدن ۱۲ - گریز از ضرر ب) عوامل ارتقای کرامت تشریحی انسانها: ۱ - حق حیات ۲ - استحقاق احسان و انفاق ۳ - نیک سخن گفتن ۴ - احترام به والدین ۵ - رفتار عادلانه ۶ - رعایت کرامت مخالفان |
| میرسپاسی و همکاران (۱۳۹۲) | در این تحقیق به ابعاد کرامت در سازمانهای دولتی (ارزشهای محوری تعالی سازمانی) اشاره شده است: ۱ - ارباب رجوع محوری ۲ - عدالت‌محوری ۳ - قانون‌مداری ۴ - پاسخگویی اجتماعی |
| میر احمدی و کمالی گوکی (۱۳۹۳) | در این پژوهش به مبانی کرامت انسانی از منظر امام خمینی (ره) اشاره شده است: ۱ - احساس امنیت ۲ - اجرای عدالت ۳ - ممنوعیت اعمال غیر انسانی ۴ - جلوگیری از خودسریها ۵ - عدم تجسس در حوزه فردی افراد ۶ - چشم‌پوشی از خطاهای شخصی و خصوصی که آثار حقوقی ندارد. ۷ - آرامش و امنیت قضایی ۸ - ممنوعیت از اهانت به انسان |

ادامه جدول ۱: پیشینه مطالعات کرامت انسانی در داخل و خارج از کشور

| نویسندگان و سال انتشار | یافته‌های پژوهش |
|------------------------|---|
| نوردنفلت (۲۰۰۴) | در این پژوهش به انواع کرامت انسانی پرداخته شده است: ۱ - کرامت شایستگی ۲ - کرامت اخلاق ۳ - کرامت هویت ۴ - کرامت ذاتی انسانی |
| گریفین هسلین (۲۰۰۵) | در این پژوهش به ابعاد کرامت انسانی اشاره شده است: ۱ - احترام ۲ - خودمختاری ۳ - توانمندسازی ۴ - ارتباطات |
| دی بیتس (۲۰۰۷) | در این تحقیق به ابعاد و عوامل کرامت انسانی اشاره شده است: ۱ - آزادی ۲ - برابری ۳ - عدالت ۴ - به رسمیت شناختن دیگران ۵ - احترام به خود و دیگران |
| آندورنو (۲۰۰۹) | در این تحقیق به عوامل کرامت انسانی پرداخته شده است: ۱ - احترام ۲ - افتخار ۳ - آزادی ۴ - توانمندسازی ۵ - مسئولیت‌پذیری ۶ - همبستگی |
| دی کونینچ (۲۰۰۹) | در این تحقیق به عوامل کرامت انسانی اشاره شده است: ۱ - توجه به راحتی دیگران ۲ - احترام ۳ - انسانیت ۴ - آزادی ۵ - مسئولیت‌پذیری ۶ - پاسخگویی ۷ - تندرستی و روان‌درستی |
| وارلیوس (۲۰۱۲) | در این پژوهش به عوامل کرامت انسانی اشاره شده است: ۱ - احترام ۲ - خودمختاری ۳ - هویت‌بخشی ۴ - نیکوکاری ۵ - عدالت |
| ورستر (۲۰۱۲) | در این پژوهش به ابعاد کرامت انسانی اشاره شده است: ۱ - آزادی: خواهان استقلال شخصی برای افراد ۲ - برابری: (عدالت، انصاف) |
| گیسینگر (۲۰۱۲) | در این تحقیق به ابعاد کرامت انسانی اشاره شده است: ۱ - احترام ۲ - آزادی ۳ - استقلال اخلاقی |
| لگت (۲۰۱۳) | در یافته‌های این پژوهش کرامت انسانی مرتبط است با: ۱ - احترام به خود ۲ - احترام به دیگران ۳ - عزت نفس ۴ - استقلال فردی |
| کلینینگ و اوانس (۲۰۱۳) | در این پژوهش نتایج صیانت از کرامت انسانی عبارت است از: ۱ - رشد و شکوفایی انسان ۲ - آرامش روح و روان ۳ - خودکنترلی ۴ - اعتماد به نفس ۵ - عقلانیت در تصمیم‌گیری ۶ - استقلال و خودمختاری شغلی ۷ - تندرستی و روان‌درستی |
| سلمازی (۲۰۱۳) | در این پژوهش به عوامل کرامت انسانی اشاره شده است: ۱ - انسانیت ۲ - استعداد ۳ - مهارت ۴ - قدرت ۵ - ثروت ۶ - احترام به خود و دیگران |

روش پژوهش

راهبرد مورد استفاده در این پژوهش، روش فراترکیب است. یکی از پژوهشگران در ارتباط با روش فراترکیب معتقد است که فراترکیب فرایند جستجو، ارزیابی، ترکیب و تفسیر مطالعات کمی یا کیفی در حوزه‌ای خاص است (کاتالانو^۱، ۲۰۱۳). پترسون^۲ اشاره می‌کند، اهمیت فراترکیب در این است که این روش شناخت جامعتر و درک عمیقتری نسبت به پدیده مورد بررسی ارائه، و کمک می‌کند تصمیم‌گیریها و مراقبت‌ها بر اساس شواهد علمی و یافته‌های پژوهشی انجام گیرد (پترسون و همکاران، ۲۰۰۱). علاوه بر آنچه اشاره شد این رویکرد به ساخت نظریه، حمایت از نظریه‌های موجود، تفسیر و روشن‌سازی نظریه‌های موجود و تکمیل و توسعه نظریه‌های موجود نیز کمک شایانی می‌کند (اسکریرو و همکاران، ۱۹۹۷).

در این پژوهش از روش کیفی فراترکیب استفاده شده که هنوز استفاده گسترده‌ای از آن در حوزه کرامت انسانی نشده است. گامهای این پژوهش بر اساس روش هفت مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو (۲۰۰۷) است که این مراحل عبارت است از: (سندلوسکی و باروسو^۳، ۲۰۰۷).

۱ - طرح سؤال پژوهش ۲ - مرور ادبیات ساختارمند ۳ - جستجو و انتخاب مقاله‌های مناسب ۴ - استخراج اطلاعات مقاله ۵ - تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی ۶ - کنترل کیفیت ۷ - ارائه یافته‌ها.

با توجه به این مطالب، اولین گام در روش فراترکیب، طرح سؤالهایی است که پژوهشگر در فرایند پژوهش خود قصد پاسخگویی به آنها را دارد. بنابراین سؤالهای این تحقیق به این شرح مطرح شده است: سؤال اصلی تحقیق این است که: الگوی کرامت انسانی چگونه الگویی است؟ پاسخ به این سؤال، مستلزم پاسخگویی به مجموعه سؤالات جزئی‌تر زیر نیز هست:

۱ - ابعاد الگوی کرامت انسانی کدام است؟

۲ - عوامل و شاخصهای کرامت انسانی چیست؟

ابزار و روش گردآوری داده‌ها

در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای، میدانی و هم‌چنین از راهبرد

1 - Catalano

2 - Paterson

3 - Sandelowski & Barroso

تحلیل محتوا به شرح ذیل استفاده شده است:

روش کتابخانه‌ای: در این پژوهش به منظور نگارش ادبیات تحقیق از روش کتابخانه‌ای (فیش نویسی) استفاده شده است.

روش میدانی: در این تحقیق برای نظرسنجی از خبرگان در زمینه اجزای الگوی توسعه یافته از مرحله فراترکیب از پرسشنامه استفاده شده است.

تحلیل محتوا: در این پژوهش از طریق تحلیل محتوا، آثار و مطالعات گروهی از صاحب نظران حوزه کرامت انسانی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته، سپس با تعیین خطوط اصلی اندیشه آنها و تلفیق و دسته‌بندی آثار آنان، تعریف و گروه‌بندی جدیدی برای عوامل کرامت انسانی پیشنهاد شده است.

روایی و پایایی

روایی روش فراترکیب

پژوهشگر در این تحقیق، به منظور تعیین روایی روش فراترکیب از ابزار ارزیابی حیاتی گلین استفاده کرده است. این ابزار به محقق کمک می‌کند تا دقت، اعتبار و اهمیت مطالعات کیفی و هم مطالعات کمی را مشخص کند.

پژوهشگر برای این منظور، مقاله‌ها را به صورت کامل می‌خواند تا از محتوای آنها آگاهی عمیقی پیدا کند و سپس با استفاده از مجموعه سؤالاتی که در باز بین^۱ طراحی شده است به ارزیابی آنها می‌پردازد.

پایایی روش فراترکیب

به منظور تعیین پایایی روش فراترکیب از روش پایایی ارزیابها استفاده شده است بدین صورت که علاوه بر محقق، که به شناسه‌گذاری اولیه اقدام کرده محقق دیگری نیز همان متنی را که خود محقق شناسه‌گذاری کرده است بدون اطلاع از شناسه‌های او و جداگانه شناسه‌گذاری می‌کند. در صورتی که شناسه‌های این دو محقق به هم نزدیک باشد، نشاندهنده توافق زیاد بین این دو شناسه‌گذار است که بیان‌کننده پایایی است.

برای محاسبه پایایی ارزیابها، پنج مقاله در اختیار محقق دیگری قرار گرفت. محقق از درون مقالات انتخاب شده ۱۸ شناسه را استخراج کرده بود و شناسه‌گذار دیگر ۱۶ شناسه را از درون این

مقالات استخراج کرد. جدول ۲ نشاندهنده شناسه‌های استخراجی توسط دو شناسه‌گذار است. در این جدول عدد ۱ نشاندهنده توافق بین دو شناسه‌گذار و عدد صفر نشاندهنده عدم توافق بین این دو محقق است.

ضریب توافق دو شناسه‌گذار یا پایایی ارزیابها از طریق رابطه شماره ۱ محاسبه می‌شود (سلیکاینده، ۱۳۸۵: ۲۴۸):

$$\text{رابطه شماره ۱:} \quad \text{تعداد توافق} = \frac{\text{تعداد توافق پذیر}}{\text{پایایی ارزیابها}}$$

جدول ۲: شناسه‌های استخراجی توسط دو شناسه‌گذار

| شناسه‌های استخراجی | | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ | ۱۶ | ۱۷ | ۱۸ |
|--------------------|--|---|---|---|---|---|---|---|---|---|----|----|----|----|----|----|----|----|----|
| شناسه‌گذار | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| شناسه‌گذار ۱ | | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ |
| شناسه‌گذار ۲ | | ۰ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۰ | ۱ | ۱ | ۱ | ۰ | ۰ |

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، بین دو شناسه‌گذار ۱۴ بار توافق و ۴ بار عدم توافق صورت پذیرفته است؛ بنابراین زمانی که اعداد را در فرمول قرار می‌دهیم، ضریب پایایی ارزیابها معادل ۰/۷۷ می‌شود.

با توجه به اینکه مقدار ضریب پایایی ارزیابها از ۰/۶ بیشتر است، می‌توان ادعا کرد که ابزار استخراج شناسه‌ها از پایایی قابل توجهی برخوردار بوده است.

روایی روش پیمایش: پرسشنامه نظرسنجی از خبرگان

روشهای متعددی برای تعیین اعتبار پرسشنامه هست که پژوهشگر در این پژوهش از روش روایی محتوا استفاده کرده است.

برای ارزیابی روایی محتوایی از نظر متخصصان می‌توان به دو شکل کیفی و کمی عمل کرد: در بررسی کیفی محتوا (که تقریباً شبیه روایی صوری است) پژوهشگر از متخصصان درخواست می‌کند تا بازخورد لازم را در ارتباط با ابزار ارائه کنند که بر اساس آن موارد اصلاح خواهد شد. برای این منظور پرسشنامه که حاوی مقولات، مفاهیم و کدهای کرامت انسانی بود در اختیار ۲۰ نفر

از خبرگان مورد نظر قرار گرفت. نهایتاً نکات و مواردی را که خبرگان به آن اشاره کرده بودند، جمع آوری شد و اصلاحاتی در الگوی اولیه پژوهش به شرح ذیل صورت پذیرفت:

۱ - تغییر نام مفهوم سلامت جسمی به مفهوم تندرستی ۲ - تغییر نام مفهوم سلامت ذهنی و روانی به مفهوم روان‌درستی ۳ - تغییر نام شناسه سلامت معنوی به شناسه معنویت در کار ۴ - اصلاح نام شناسه پوشش و حجاب به شناسه پوشش مناسب ۵ - اصلاح نام شناسه قانون‌مداری به شناسه قانون‌مندی ۶ - تغییر نام مفهوم خوش‌خلقی به مفهوم خوشرفتاری ۷ - تغییر نام مفهوم حس تعلق به مفهوم حس همبستگی

برای بررسی روایی محتوایی به شکل کمی از ضریب نسبی روایی محتوا استفاده می‌شود. برای تعیین این ضریب از متخصصان در خواست می‌شود تا هر عنوان را بر اساس طیف سه قسمتی «ضروری است»، «مفید است ولی ضرورتی ندارد» و «ضرورتی ندارد» بررسی کنند؛ سپس پاسخها مطابق رابطه شماره ۲ محاسبه می‌شود:

$$CVR = \frac{n_E - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}} \quad \text{رابطه شماره ۲:}$$

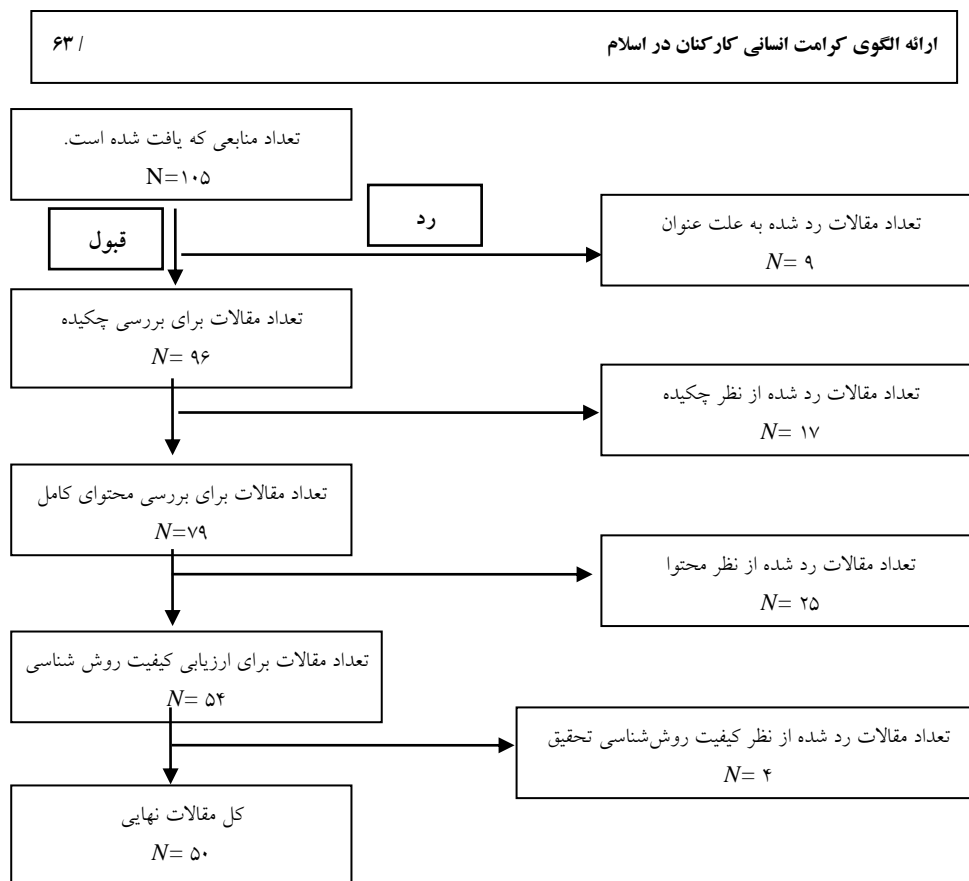
در این رابطه n_E تعداد متخصصانی است که به گزینه «ضروری» پاسخ داده‌اند و N تعداد کل متخصصان است. اگر مقدار محاسبه شده از مقدار جدول لاوشه بزرگتر باشد، اعتبار محتوای آن عنوان پذیرفته می‌شود. حداقل مقدار روایی برای نمونه ۲۰ نفری طبق جدول تصمیم‌گیری (جدول لاوشه) در مورد ضریب نسبی روایی محتوا ۰/۴۲ است. برای نمونه جدول ۳ برای نشان دادن مقادیر ضریب نسبی روایی محتوا برای مقولات کرامت انسانی در این قسمت از نوشتار آورده شده است. با توجه به اینکه مقادیر ضریب نسبی روایی محتوا برای تمامی عنوانها بزرگتر از ۰/۴۲ شده است، اعتبار محتوایی تمامی عنوانها تأیید می‌شود.

جدول ۳: مقادیر ضریب نسبی روایی محتوا برای هر یک از مقولات

| نتیجه | حداقل مقدار روایی | مقدار CVR | تعداد نمونه | غیر ضروری | مفید ولی ضروری | ضروری | طیف مقوله |
|-------|-------------------|-----------|-------------|-----------|----------------|-------|--------------|
| تأیید | ۰/۴۲ | ۰/۵ | ۲۰ | ۳ | ۱ | ۱۶ | جسمی |
| تأیید | ۰/۴۲ | ۰/۶ | ۲۰ | ۱ | ۳ | ۱۶ | ذهنی و روانی |
| تأیید | ۰/۴۲ | ۰/۸ | ۲۰ | ۱ | ۱ | ۱۸ | عملکردی |
| تأیید | ۰/۴۲ | ۰/۸ | ۲۰ | - | ۲ | ۱۸ | رفتاری |

یافته‌های پژوهش

پس از تعیین سؤالهای پژوهش به منظور جستجوی نظام‌مند، پیش از هر اقدام، باید محدوده جستجو بر اساس روش فراترکیب مشخص شود. برای این منظور تلاش شده است کتابها و هم‌چنین مجموعه مقالات پایگاه‌های داده‌ها، مجلات، همایشها و موتورهای جستجوی مختلف برای مطالعات انگلیسی از سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ و مطالعات فارسی از سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۳ بررسی شود. سپس برای جستجوی مطالعات، واژگان کلیدی نظیر کرامت، کرامت انسانی، الگوهای کرامت انسانی، ابعاد و عوامل کرامت انسانی، تعریف کرامت انسانی و انواع کرامت در نظر گرفته شد. بر اساس نتایج اولیه حاصل از جستجو ۱۰۵ مقاله و کتاب مرتبط شناسایی شد و برای انتخاب مطالعات مناسب بر اساس الگوریتم نشان داده شده در نمودار ۱، عوامل مختلفی مانند عنوان، چکیده، محتوا، کیفیت روش شناسی مورد ارزیابی قرار گرفت.



نمودار ۱: نتایج جستجو و انتخاب مقالات مناسب

بر اساس تحلیل در مورد ۵۰ مقاله نهایی انتخاب شده به کمک روش تحلیل محتوا در مجموع، چهار مقوله، ۱۲ مفهوم و ۳۴ شناسه برای کرامت انسانی در این پژوهش کشف و برجسب گذاری شد. جدول ۴ مقالاتی را نشان می دهد که الگوی پژوهش از آن استخراج شده است. یافته های این مرحله بیانگر این است که در مطالعات قبلی تا کنون چنین مطالعه نظام مندی انجام نشده است و هر یک از مطالعات، فقط به جنبه خاصی از کرامت انسانی توجه کرده اند بی اینکه ابعاد چندگانه را پویا و نظام مند در نظر گرفته باشند. در جدول ۵ شناسه های نهایی استخراج شده مرتبط با هر مقوله و مفهوم به همراه منابع استخراج شناسه ها نشان داده شده است.

جدول ۴: مقالات منتخب برای الگوسازی

| ردیف | فارسی / انگلیسی | نویسندگان و تاریخ انتشار | عنوان مجله |
|------|-----------------|---|--|
| ۱ | فارسی | طاهری (۱۳۸۴ الف) | پژوهش‌های دینی |
| ۲ | فارسی | طاهری (۱۳۸۴ ب) | پژوهش‌های دینی |
| ۳ | فارسی | علیخانی (۱۳۸۵) | پژوهشنامه علوم سیاسی |
| ۴ | فارسی | غفارزاده (۱۳۸۶) | فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی |
| ۵ | فارسی | نژاد سلیم (۱۳۸۷) | انتشارات مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران |
| ۶ | فارسی | اخوان (۱۳۹۰) | نقد و نظر |
| ۷ | فارسی | رحیمی نژاد (۱۳۹۰) | معرفت حقوقی |
| ۸ | فارسی | پور سید آقایی و محمدی منفرد (۱۳۹۱) | فصلنامه مشرق موعود |
| ۹ | فارسی | نقیبی (۱۳۹۱) | فصلنامه سراج منیر |
| ۱۰ | فارسی | حمیدیان پور و الله‌یاری بوزنجانی (۱۳۹۲) | معرفت |
| ۱۱ | فارسی | پورحسین و فلاحی (۱۳۹۲) | مطالعات حقوق بشر اسلامی |
| ۱۲ | فارسی | پورسعید و زایرکعبه (۱۳۹۲) | یازدهمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت |
| ۱۳ | فارسی | افتخاری و اسدی (۱۳۹۲) | فصلنامه پژوهش‌ها سیاسی جهان اسلام |
| ۱۴ | فارسی | میرسپاسی و همکاران (۱۳۹۲) | فصلنامه مدیریت سازمانهای دولتی |
| ۱۵ | فارسی | میر احمدی و کمالی گوکی (۱۳۹۳) | فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی |
| ۱۶ | فارسی | بیات و عقیلی (۱۳۹۳) | فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی |
| ۱۷ | انگلیسی | کوچینف و همکاران (۲۰۰۲) | <i>Social Science & Medicine</i> |
| ۱۸ | انگلیسی | بدکات (۲۰۰۳) | <i>Medicine, Health Care and Philosophy</i> |
| ۱۹ | انگلیسی | هورتن (۲۰۰۴) | <i>Public Health (www.thelancet.com)</i> |
| ۲۰ | انگلیسی | نوردنفلت (۲۰۰۴) | <i>Health Care Analysis</i> |
| ۲۱ | انگلیسی | گریفین هسلین (۲۰۰۵) | <i>Accident and Emergency Nursing</i> |
| ۲۲ | انگلیسی | سلمازی (۲۰۰۶) | <i>presentation to the US President's Council on Bioethics, Washington, DC</i> |
| ۲۳ | انگلیسی | دی بیتس (۲۰۰۷) | <i>Historein</i> |
| ۲۴ | انگلیسی | لام (۲۰۰۷) | <i>Newsletter of Hong Kong Society of Palliative Medicin</i> |
| ۲۵ | انگلیسی | آندورنو (۲۰۰۹) | <i>Journal of Medicine and Philosophy</i> |
| ۲۶ | انگلیسی | جکسون (۲۰۰۹) | <i>(BMC) Medical Ethics (www.biomedcentral.com)</i> |
| ۲۷ | انگلیسی | دی کونینج (۲۰۰۹) | <i>J Acad Ethics</i> |
| ۲۸ | انگلیسی | شاوپینگ (۲۰۰۹) | <i>Front. Philos. China</i> |

ادامه جدول ۴: مقالات منتخب برای الگوسازی

| ردیف | فارسی / انگلیسی | نویسندگان و تاریخ انتشار | عنوان مجله |
|------|-----------------|---------------------------|--|
| ۲۹ | انگلیسی | وارد و بیرگدن (۲۰۰۹) | <i>Aggression and Violent Behavior</i> |
| ۳۰ | انگلیسی | هیگس (۲۰۰۹) | <i>Weatherhead Center for International Affairs</i> |
| ۳۱ | انگلیسی | کلارک (۲۰۱۰) | <i>Nursing Times</i> (www.nursingtimes.net) |
| ۳۲ | انگلیسی | جکبسون و سیلوا (۲۰۱۰) | <i>Bioethical Inquiry</i> |
| ۳۳ | انگلیسی | رودهار (۲۰۱۰) | <i>Med Health Care and Philos</i> |
| ۳۴ | انگلیسی | کام وینگ (۲۰۱۰) | <i>Newsletter of Hong Kong Society of Palliative Medicin</i> |
| ۳۵ | انگلیسی | تاپولا (۲۰۱۱) | <i>Teaching and Teacher Education</i> |
| ۳۶ | انگلیسی | متسون و کلارک (۲۰۱۱) | <i>Policy Science</i> |
| ۳۷ | انگلیسی | هیگس (۲۰۱۱) | <i>Weatherhead Center for International Affairs</i> |
| ۳۸ | انگلیسی | جونز و دوپر (۲۰۱۲) | <i>Liverpool Law Rev</i> |
| ۳۹ | انگلیسی | شرودر (۲۰۱۲) | <i>Ethic Theory Moral Prac</i> |
| ۴۰ | انگلیسی | وارلیوس (۲۰۱۲) | <i>Crim Law and Philos</i> |
| ۴۱ | انگلیسی | دوپر (۲۰۱۲) | <i>Liverpool Law Rev</i> |
| ۴۲ | انگلیسی | ورستر (۲۰۱۲) | <i>Original Research</i> |
| ۴۳ | انگلیسی | گیسینگر (۲۰۱۲) | <i>Original Research:www.ve.org.za</i> |
| ۴۴ | انگلیسی | لگت (۲۰۱۳) | <i>Med Health Care and Philos</i> |
| ۴۵ | انگلیسی | آندورنو (۲۰۱۳) | <i>Med Health Care and Philos</i> |
| ۴۶ | انگلیسی | بدکات و لگت (۲۰۱۳) | <i>Med Health Care and Philos</i> |
| ۴۷ | انگلیسی | کلینینگ و اوانس (۲۰۱۳) | <i>Law and Philosophy</i> |
| ۴۸ | انگلیسی | وان جنیپ و همکاران (۲۰۱۳) | <i>International Journal of Nursing Studies</i> |
| ۴۹ | انگلیسی | سلمازی (۲۰۱۳) | <i>Med Health Care and Philos</i> |
| ۵۰ | انگلیسی | لودن (۲۰۱۴) | <i>Int. Commun. Chin. Cult</i> |

جدول ۵: الگوی مفهومی پژوهش به همراه شناسه‌های استخراج‌شده

| مقوله‌ها | مفاهیم | شناسه‌ها | منابع |
|--------------|---------------------------|---|--|
| جسمی | تندرستی | ورزش و نرمش روزانه | علیخانی (۱۳۸۵)، نژادسلیم (۱۳۸۷)، پورسعید و زایرکعبه (۱۳۹۲)، متسون و کلارک (۲۰۱۱)، دی کونینج (۲۰۰۹)، هیکس (۲۰۰۹)، هیکس (۲۰۱۱). |
| | ایمنی و بهداشت | غفارزاده (۱۳۸۶)، نژادسلیم (۱۳۸۷)، میراحمدی و کمالی گوکی (۱۳۹۳)، جکبسون (۲۰۰۹)، کلارک (۲۰۱۰)، جکبسون و سیلوا (۲۰۱۰)، آندورنو (۲۰۱۳)، متسون و کلارک (۲۰۱۱)، کلینینگ و اوانس (۲۰۱۳)، دی کونینج (۲۰۰۹)، شائوپینگ (۲۰۰۹)، وان جنپ و همکاران (۲۰۱۳)، تاپولا (۲۰۱۱)، نوردنفلت (۲۰۰۴)، هیکس (۲۰۰۹)، هیکس (۲۰۱۱)، سلمازی (۲۰۰۶). | |
| ذهنی و روانی | روان درستی | سلامت روانی | علیخانی (۱۳۸۵)، نژادسلیم (۱۳۸۷)، حمیدیان پور و یاری بوزنجانی (۱۳۹۲)، میراحمدی و کمالی گوکی (۱۳۹۳)، جکبسون (۲۰۰۹)، کلارک (۲۰۱۰)، جکبسون و سیلوا (۲۰۱۰)، متسون و کلارک (۲۰۱۱)، کلینینگ و اوانس (۲۰۱۳)، دی کونینج (۲۰۰۹)، کوچینف و همکاران (۲۰۰۲)، کام وینگ (۲۰۱۰)، نوردنفلت (۲۰۰۴)، هیکس (۲۰۰۹)، هیکس (۲۰۱۱). |
| | معنویت در کار | طاهری (۱۳۸۴)، علیخانی (۱۳۸۵)، غفارزاده (۱۳۸۶)، نژادسلیم (۱۳۸۷)، پورسعید و زایرکعبه (۱۳۹۲)، رحیمی نژاد (۱۳۹۰)، نقیبی (۱۳۹۱)، حمیدیان پور و یاری بوزنجانی (۱۳۹۲)، افتخاری و اسدی (۱۳۹۲)، کلارک (۲۰۱۰)، وارد و بیرگون (۲۰۰۹). | |
| | خوش بینی | خوش بینی | نژادسلیم (۱۳۸۷)، اخوان (۱۳۹۰)، بیات و عقیلی (۱۳۹۳)، جکبسون (۲۰۰۹)، متسون و کلارک (۲۰۱۱)، رودهار (۲۰۱۰)، هیکس (۲۰۰۹)، هیکس (۲۰۱۱). |
| عملکردی | خوش بینی | امیدواری | غفارزاده (۱۳۸۶)، دوپر (۲۰۱۲)، جکبسون و سیلوا (۲۰۱۰)، هیکس (۲۰۰۹)، هیکس (۲۰۱۱)، کام وینگ (۲۰۱۰)، کوچینف و همکاران (۲۰۰۲). |
| | توانمندسازی | توانمندسازی | حمیدیان پور و یاری بوزنجانی (۱۳۹۲)، طاهری (۱۳۸۴)، طاهری (۱۳۸۴)، علیخانی (۱۳۸۵)، نژادسلیم (۱۳۸۷)، رحیمی نژاد (۱۳۹۰)، نقیبی (۱۳۹۱)، بیات و عقیلی (۱۳۹۳)، پورسیدآقایی و محمدی منفرد (۱۳۹۱)، جکبسون (۲۰۰۹)، کلارک (۲۰۱۰)، جکبسون و سیلوا (۲۰۱۰)، متسون و کلارک (۲۰۱۱)، سلمازی (۲۰۱۳)، لام (۲۰۰۷)، جونز و دوپر (۲۰۱۲)، کلینینگ و اوانس (۲۰۱۳)، گریفن هسلین (۲۰۰۵)، آندرنو (۲۰۰۹)، حمیدیان پور و یاری بوزنجانی (۱۳۹۲)، جکبسون (۲۰۰۹)، جونز و دوپر (۲۰۱۲)، کلینینگ و اوانس (۲۰۱۳)، گریفن هسلین (۲۰۰۵)، آندرنو (۲۰۰۹). |
| | مشارکت و تصمیم‌گیری گروهی | مشارکت و تصمیم‌گیری گروهی | طاهری (۱۳۸۴)، علیخانی (۱۳۸۵)، نژادسلیم (۱۳۸۷)، حمیدیان پور و یاری بوزنجانی (۱۳۹۲)، هیکس (۲۰۰۹)، هیکس (۲۰۱۱)، گریفن هسلین (۲۰۰۵)، جونز و دوپر (۲۰۱۲)، کلینینگ و اوانس (۲۰۱۳)، سلمازی (۲۰۰۶). |
| | خلاقیت و نوآوری | خلاقیت و نوآوری | نژادسلیم (۱۳۸۷)، نقیبی (۱۳۹۱)، جکبسون (۲۰۰۹)، آندورنو (۲۰۱۳)، سلمازی (۲۰۰۶). |

ادامه جدول ۵: الگوی مفهومی پژوهش به همراه شناسه‌های استخراج شده

| مقوله‌ها | مفاهیم | شناسه‌ها | منابع |
|--------------|---------------------|--------------------|---|
| انتقاد پذیری | انتقاد پذیری | بازخورد | طاهری (۱۳۸۴)، پورسعید و زایرکعبه (۱۳۹۲). |
| | انتقاد پذیری | انتقاد پذیری | نژادسلیم (۱۳۸۷)، حمیدیان پور و یاری بوزنجانی (۱۳۹۲)، پورسعید و زایرکعبه (۱۳۹۲). |
| نظم‌گرایی | نظم‌گرایی | انضباط | نژادسلیم (۱۳۸۷)، جکسون (۲۰۰۹). |
| | نظم‌گرایی | پوشش مناسب | جکسون و سیلوا (۲۰۱۰)، نژادسلیم (۱۳۸۷). |
| عملکردی | پاسخگویی | پاسخگویی | میرسپاسی و همکاران (۱۳۹۲)، دی کونینج (۲۰۰۹)، هیکس (۲۰۰۹)، هیکس (۲۰۱۱)، جکسون و سیلوا (۲۰۱۰). |
| | | کارایی و اثربخشی | نژادسلیم (۱۳۸۷)، پورسعید و زایرکعبه (۱۳۹۲)، جکسون (۲۰۰۹). |
| | تعهد | مسئولیت‌پذیری | طاهری (۱۳۸۴)، نژادسلیم (۱۳۸۷)، پورسعید و زایرکعبه (۱۳۹۲)، دی کونینج (۲۰۰۹)، کوچینف و همکاران (۲۰۰۲)، آندورنو (۲۰۰۹)، کام وینگ (۲۰۱۰)، هیکس (۲۰۰۹)، هیکس (۲۰۱۱). |
| | | قانون‌مندی | طاهری (۱۳۸۴)، نژادسلیم (۱۳۸۷)، میرسپاسی و همکاران (۱۳۹۲)، هیکس (۲۰۰۹)، هیکس (۲۰۱۱)، تاپولا (۲۰۱۱)، جکسون و سیلوا (۲۰۱۰)، متسون و کلارک (۲۰۱۱). |
| | | امانت‌داری | طاهری (۱۳۸۴)، نژادسلیم (۱۳۸۷)، پورسعید و زایرکعبه (۱۳۹۲)، گریفن هسلین (۲۰۰۵). |
| | استقلال و آزادی عمل | آزادی و اختیار عمل | علیحانی (۱۳۸۵)، رحیمی نژاد (۱۳۹۰)، نقیعی (۱۳۹۱)، میراحمدی و کمالی گوکی (۱۳۹۳)، بیات و عقیلی (۱۳۹۳)، جکسون (۲۰۰۹)، جونز و دوپر (۲۰۱۲)، جکسون و سیلوا (۲۰۱۰)، متسون و کلارک (۲۰۱۱)، دی کونینج (۲۰۰۹)، شانوپینگ (۲۰۰۹)، ورستر (۲۰۱۲)، آندورنو (۲۰۰۹)، لودن (۲۰۱۴)، سلمازی (۲۰۰۶)، دی بیتس (۲۰۰۷)، هورتن (۲۰۰۴)، نوردنفلت (۲۰۰۴)، گیسینگر (۲۰۱۲)، هیکس (۲۰۰۹)، هیکس (۲۰۱۱). |
| | | استقلال شغلی | طاهری (۱۳۸۴)، رحیمی نژاد (۱۳۹۰)، جکسون (۲۰۰۹)، کلارک (۲۰۱۰)، جونز و دوپر (۲۰۱۲)، لگت (۲۰۱۳)، آندورنو (۲۰۱۳)، کلینینگ و اوانس (۲۰۱۳)، گریفن هسلین (۲۰۰۵)، وان جنیپ و همکاران (۲۰۱۳)، لام (۲۰۰۷)، سلمازی (۲۰۰۶)، هورتن (۲۰۰۴)، گیسینگر (۲۰۱۲)، هیکس (۲۰۱۱)، کام وینگ (۲۰۱۰)، کوچینف و همکاران (۲۰۰۲). |
| | | خودکنترلی | کام وینگ (۲۰۱۰)، کوچینف و همکاران (۲۰۰۲)، کلینینگ و اوانس (۲۰۱۳)، لام (۲۰۰۷). |

ادامه جدول ۵: الگوی مفهومی پژوهش به همراه شناسه‌های استخراج شده

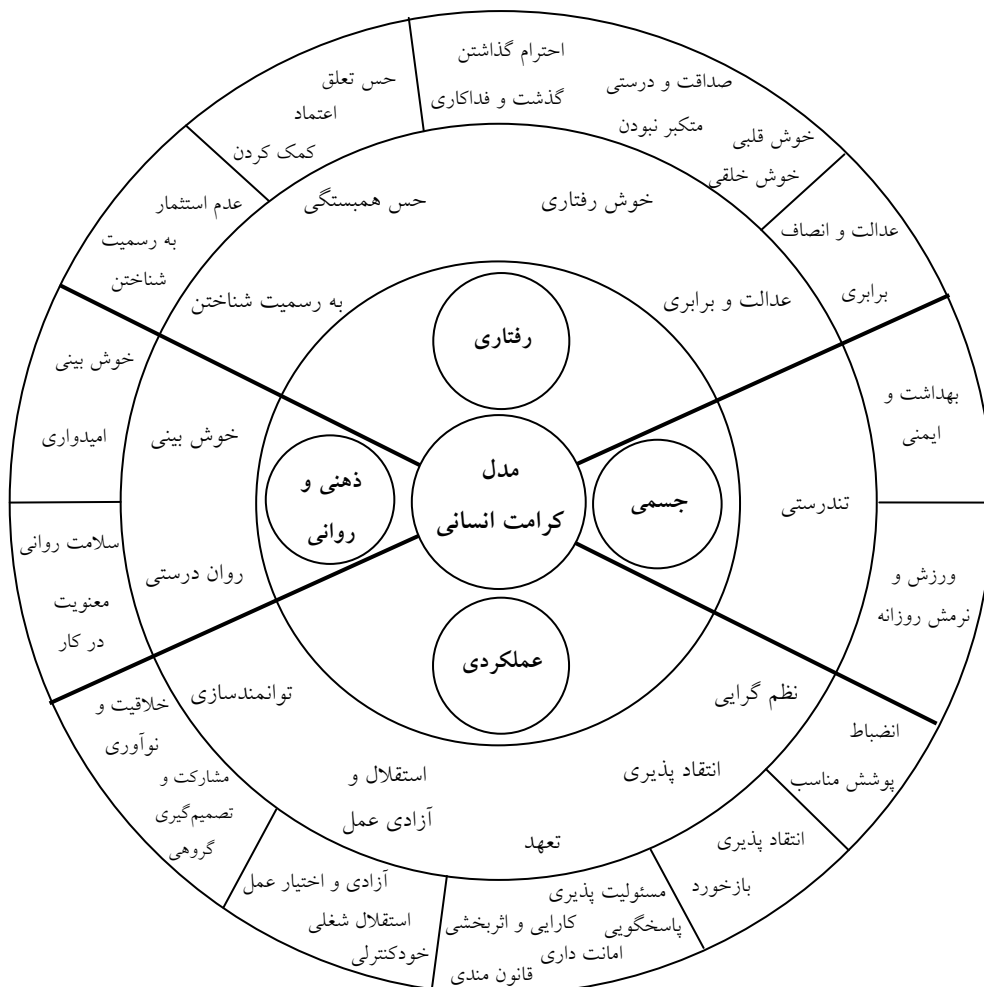
| مقوله‌ها | مفاهیم | شناسه‌ها | منابع |
|-------------------|----------------|----------------|---|
| عدالت و برابری | عدالت و انصاف | عدالت و انصاف | علیخانی (۱۳۸۵)، غفارزاده (۱۳۸۶)، نژادسلیم (۱۳۸۷)، حمیدیان پور و یاری بوزنجانی (۱۳۹۲)، میرسپاسی و همکاران (۱۳۹۲)، میراحمدی و کمالی گوکی (۱۳۹۳)، جکبسون (۲۰۰۹)، جکبسون و سیلوا (۲۰۱۰)، وارد و بیرگون (۲۰۰۹)، ورستر (۲۰۱۲)، دی بیتس (۲۰۰۷)، هورتن (۲۰۰۴)، وارلیوس (۲۰۱۲)، هیکس (۲۰۰۹)، هیکس (۲۰۱۱). |
| | | | پورسیدآقایی و محمدی منفرد (۱۳۹۱)، حمیدیان پور و یاری بوزنجانی (۱۳۹۲)، جکبسون (۲۰۰۹)، کلارک (۲۰۱۰)، آندورنو (۲۰۱۳)، شرودر (۲۰۱۲)، ورستر (۲۰۱۲)، سلمازی (۲۰۰۶)، دی بیتس (۲۰۰۷)، نوردنفلت (۲۰۰۴). |
| رفتاری | احترام گذاشتن | احترام گذاشتن | علیخانی (۱۳۸۵)، غفارزاده (۱۳۸۶)، اخوان (۱۳۹۰)، پورسعید و زایرکعبه (۱۳۹۲)، کلارک (۲۰۱۰)، دوپر (۲۰۱۲)، لگت (۲۰۱۳)، جکبسون و سیلوا (۲۰۱۰)، متسون و کلارک (۲۰۱۱)، بدکات و لگت (۲۰۱۳)، شرودر (۲۰۱۲)، دی کونینچ (۲۰۰۹)، شائوپینگ (۲۰۰۹)، گریفن هسلین (۲۰۰۵)، سلمازی (۲۰۱۳)، وان جنپ و همکاران (۲۰۱۳)، لام (۲۰۰۷)، آندورنو (۲۰۰۹)، لودن (۲۰۱۴)، سلمازی (۲۰۰۶)، دی بیتس (۲۰۰۷)، هورتن (۲۰۰۴)، وارلیوس (۲۰۱۲)، رودهار (۲۰۱۰)، نوردنفلت (۲۰۰۴)، گیسینگر (۲۰۱۲)، بدکات (۲۰۰۳). |
| | | | طاهری (۱۳۸۴)، طاهری (۱۳۸۴)، غفارزاده (۱۳۸۶)، نژادسلیم (۱۳۸۷)، اخوان (۱۳۹۰)، پورحسن و فلاحی (۱۳۹۲)، میراحمدی و کمالی گوکی (۱۳۹۳)، جکبسون (۲۰۰۹)، آندورنو (۲۰۱۳)، گریفن هسلین (۲۰۰۵)، رودهار (۲۰۱۰)، متسون و کلارک (۲۰۱۱). |
| | | | پورسیدآقایی و محمدی منفرد (۱۳۹۱)، نقیبی (۱۳۹۱)، جکبسون (۲۰۰۹)، جکبسون و سیلوا (۲۰۱۰)، متسون و کلارک (۲۰۱۱)، سلمازی (۲۰۰۶)، بدکات (۲۰۰۳)، طاهری (۱۳۸۴)، اخوان (۱۳۹۰)، افتخاری و اسدی (۱۳۹۲)، وارد و بیرگون (۲۰۰۹)، وارلیوس (۲۰۱۲)، رودهار (۲۰۱۰). |
| خوشرفتاری | خوش خلقی | خوش خلقی | نژادسلیم (۱۳۸۷)، میراحمدی و کمالی گوکی (۱۳۹۳)، اخوان (۱۳۹۰). |
| | | | طاهری (۱۳۸۴)، طاهری (۱۳۸۴)، اخوان (۱۳۹۰)، جکبسون (۲۰۰۹). بیات و عقیلی (۱۳۹۳)، گریفن هسلین (۲۰۰۵)، کوچینف و همکاران (۲۰۰۲)، کام وینگ (۲۰۱۰). |
| | | | طاهری (۱۳۸۴)، غفارزاده (۱۳۸۶)، نژادسلیم (۱۳۸۷)، اخوان (۱۳۹۰)، پورسعید و زایرکعبه (۱۳۹۲)، پورحسن و فلاحی (۱۳۹۲)، نقیبی (۱۳۹۱)، بیات و عقیلی (۱۳۹۳)، جکبسون (۲۰۰۹)، متسون و کلارک (۲۰۱۱)، شائوپینگ (۲۰۰۹). |
| خوش رفتاری | خوش قلبی | خوش رفتاری | نژادسلیم (۱۳۸۷)، میراحمدی و کمالی گوکی (۱۳۹۳)، اخوان (۱۳۹۰). |
| | | | طاهری (۱۳۸۴)، طاهری (۱۳۸۴)، اخوان (۱۳۹۰)، جکبسون (۲۰۰۹). بیات و عقیلی (۱۳۹۳)، گریفن هسلین (۲۰۰۵)، کوچینف و همکاران (۲۰۰۲)، کام وینگ (۲۰۱۰). |
| | | | طاهری (۱۳۸۴)، غفارزاده (۱۳۸۶)، نژادسلیم (۱۳۸۷)، اخوان (۱۳۹۰)، پورسعید و زایرکعبه (۱۳۹۲)، پورحسن و فلاحی (۱۳۹۲)، نقیبی (۱۳۹۱)، بیات و عقیلی (۱۳۹۳)، جکبسون (۲۰۰۹)، متسون و کلارک (۲۰۱۱)، شائوپینگ (۲۰۰۹). |
| خوش رفتاری | گذشت و فداکاری | گذشت و فداکاری | نژادسلیم (۱۳۸۷)، میراحمدی و کمالی گوکی (۱۳۹۳)، اخوان (۱۳۹۰). |
| | | | طاهری (۱۳۸۴)، طاهری (۱۳۸۴)، اخوان (۱۳۹۰)، جکبسون (۲۰۰۹). بیات و عقیلی (۱۳۹۳)، گریفن هسلین (۲۰۰۵)، کوچینف و همکاران (۲۰۰۲)، کام وینگ (۲۰۱۰). |
| | | | طاهری (۱۳۸۴)، غفارزاده (۱۳۸۶)، نژادسلیم (۱۳۸۷)، اخوان (۱۳۹۰)، پورسعید و زایرکعبه (۱۳۹۲)، پورحسن و فلاحی (۱۳۹۲)، نقیبی (۱۳۹۱)، بیات و عقیلی (۱۳۹۳)، جکبسون (۲۰۰۹)، متسون و کلارک (۲۰۱۱)، شائوپینگ (۲۰۰۹). |
| خوش رفتاری | متکبر نبودن | متکبر نبودن | نژادسلیم (۱۳۸۷)، میراحمدی و کمالی گوکی (۱۳۹۳)، اخوان (۱۳۹۰). |
| | | | طاهری (۱۳۸۴)، طاهری (۱۳۸۴)، اخوان (۱۳۹۰)، جکبسون (۲۰۰۹). بیات و عقیلی (۱۳۹۳)، گریفن هسلین (۲۰۰۵)، کوچینف و همکاران (۲۰۰۲)، کام وینگ (۲۰۱۰). |
| | | | طاهری (۱۳۸۴)، غفارزاده (۱۳۸۶)، نژادسلیم (۱۳۸۷)، اخوان (۱۳۹۰)، پورسعید و زایرکعبه (۱۳۹۲)، پورحسن و فلاحی (۱۳۹۲)، نقیبی (۱۳۹۱)، بیات و عقیلی (۱۳۹۳)، جکبسون (۲۰۰۹)، متسون و کلارک (۲۰۱۱)، شائوپینگ (۲۰۰۹). |
| خوش رفتاری | صدقت و درستی | صدقت و درستی | نژادسلیم (۱۳۸۷)، میراحمدی و کمالی گوکی (۱۳۹۳)، اخوان (۱۳۹۰). |
| | | | طاهری (۱۳۸۴)، طاهری (۱۳۸۴)، اخوان (۱۳۹۰)، جکبسون (۲۰۰۹). بیات و عقیلی (۱۳۹۳)، گریفن هسلین (۲۰۰۵)، کوچینف و همکاران (۲۰۰۲)، کام وینگ (۲۰۱۰). |
| | | | طاهری (۱۳۸۴)، غفارزاده (۱۳۸۶)، نژادسلیم (۱۳۸۷)، اخوان (۱۳۹۰)، پورسعید و زایرکعبه (۱۳۹۲)، پورحسن و فلاحی (۱۳۹۲)، نقیبی (۱۳۹۱)، بیات و عقیلی (۱۳۹۳)، جکبسون (۲۰۰۹)، متسون و کلارک (۲۰۱۱)، شائوپینگ (۲۰۰۹). |

ادامه جدول ۵: الگوی مفهومی پژوهش به همراه شناسه‌های استخراج شده

| مقوله‌ها | مفاهیم | شناسه‌ها | منابع | |
|----------|-----------------|-----------------|---|---|
| رفتاری | به رسمیت شناختن | به رسمیت شناختن | طاهری (۱۳۸۴)، پورحسین و فلاحتی (۱۳۹۲)، حمیدیان پور و یاری بوزنجانی (۱۳۹۲)، میراحمدی و کمالی گوکی (۱۳۹۳)، جکسون (۲۰۰۹)، کلارک (۲۰۱۰)، جکسون و سیلوا (۲۰۱۰)، آندورنو (۲۰۱۳)، متسون و کلارک (۲۰۱۱)، شرودر (۲۰۱۲)، بدکات و لگت (۲۰۱۳)، دی کونینج (۲۰۰۹)، گریفن هسلین (۲۰۰۵)، وان جنیپ و همکاران (۲۰۱۳)، لام (۲۰۰۷)، سلمازی (۲۰۰۶)، وارلیوس (۲۰۱۲)، دی بیس (۲۰۰۷)، نوردنفلت (۲۰۰۴)، هیکس (۲۰۰۹)، هیکس (۲۰۱۱)، سلمازی (۲۰۱۳)، کوچینف و همکاران (۲۰۰۲)، کام وینگ (۲۰۱۰). | |
| | عدم استعمار | عدم استعمار | خوان (۱۳۹۰)، نقیبی (۱۳۹۱)، جکسون (۲۰۰۹)، شائوپینگ (۲۰۰۹)، رودهار (۲۰۱۰). | |
| | حسن همبستگی | حسن تعلق | حسن تعلق | طاهری (۱۳۸۴)، نژادسلیم (۱۳۸۷)، پورسعید و زایرکعبه (۱۳۹۲)، جکسون (۲۰۰۹)، کلارک (۲۰۱۰)، متسون و کلارک (۲۰۱۱)، هیکس (۲۰۰۹)، هیکس (۲۰۱۱)، جکسون و سیلوا (۲۰۱۰)، آندورنو (۲۰۰۹)، بدکات (۲۰۰۳). |
| | | اعتماد | اعتماد | نژادسلیم (۱۳۸۷)، پورسعید و زایرکعبه (۱۳۹۲)، جکسون و سیلوا (۲۰۱۰)، کلینینگ و اوانس (۲۰۱۳)، نوردنفلت (۲۰۰۴)، بدکات (۲۰۰۳)، هیکس (۲۰۰۹)، هیکس (۲۰۱۱). |
| | کمک کردن | کمک کردن | طاهری (۱۳۸۴)، غفارزاده (۱۳۸۶)، اخوان (۱۳۹۰)، پورسیدآقایی و محمدی منفرد (۱۳۹۱)، رودهار (۲۰۱۰)، کوچینف و همکاران (۲۰۰۲)، کام وینگ (۲۰۱۰). | |

الگوی مفهومی پژوهش

بعد از ارزیابی روایی روش فراترکیب به کمک ابزار ارزیابی حیاتی گلین و ارزیابی پایایی آن با روش پایایی ارزیابها (۰/۷۷)، الگوی اولیه تحقیق، مقولات، مفاهیم و شناسه‌های استخراجی به منظور بومی‌سازی و متناسب‌سازی با اوضاع سازمانهای دولتی ایران طی پرسشنامه‌ای در اختیار خبرگان قرار گرفت و بعد از ارزیابی روایی محتوایی و اصلاحات لازم، الگوی مفهومی پژوهش شکل گرفت.



شکل ۱: الگوی کرامت انسانی

نتیجه گیری و پیشنهادها

بدون تردید از نظر آماری بیشترین حجم پژوهشها بعد از حقوق بشر به کرامت انسانی مربوط است. در حال حاضر چند عنوان مجله تخصصی در جهان در زمینه کرامت انسانی منتشر، و آثار

زیادی در قالب کتاب، پایان‌نامه، مقاله و... تألیف و عرضه می‌شود (صالحی و عباسی، ۱۳۹۰). انسان و کرامت و منزلتش از مسائل مهم دوران معاصر است که تبیین و تفسیر آن از نظر منابع دینی بویژه قرآن کریم و متعاقباً، دستیابی به راهکارهای تحقق آن در زندگی بشر امروزی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛ اما با وجود این در کشورمان مطالعات در پی تدوین الگویی جامع نبوده است که بتواند موجب حفظ و ارتقای کرامت انسانها شود. هدف این مقاله، ارائه الگوی جامع و کل‌نگرانه بر اساس فراترکیب است. در همین راستا از ۵۰ مقاله مورد بررسی، ۳۴ شناسه، ۱۲ مفهوم و ۴ مقوله شناسایی شده که در شکل ۲ نشان داده شده است.

در الگوی کرامت انسانی، معیارها و ابعاد کرامت انسانی شامل مجموعه‌ای از مفاهیم و شاخصها است که نسبت به دیگر ارزشها برای افراد و سازمان در اولویت قرار دارد و باید تمام کارکنان و مدیران از آن پیروی کنند؛ به عبارتی مفاهیم و شاخصهای کرامت انسانی که در الگو بدان اشاره شده است، می‌تواند باورهای سازمان به شمار بیاید که باید در راستای صیانت از کرامت انسانی به اجرا گذاشته شود. به طور کلی، این ابعاد و معیارها بدین شرح است: ۱- بعد جسمی ۲- بعد ذهنی و روانی ۳- بعد عملکردی ۴- بعد رفتاری. هم‌چنین مفاهیم در نظر گرفته شده برای هر یک از ابعاد کرامت انسانی عبارت بود از: در بعد جسمی، تندرستی؛ در بعد ذهنی و روانی، روان‌درستی و خوش‌بینی؛ در بعد عملکردی، توانمندسازی، تعهد، انتقادپذیری، نظم‌گرایی، استقلال و آزادی عمل و در بعد رفتاری، عدالت و برابری، خوشرفتاری، به رسمیت شناختن و حس همبستگی.

به طور خلاصه می‌توان دانش‌افزایی‌های این مقاله را چنین بیان کرد: اول) تاکنون هیچ پژوهشی در ایران و شاید خارج از آن الگوی مفهومی به این جامعیت ارائه نکرده است که شاید این ویژگی به دلیل انتخاب روش پژوهش فراترکیب باشد که برای اکتشاف و تبیین این مفهوم، یعنی کرامت انسانی مورد استفاده قرار گرفته است. از این رو به کارگیری این روش‌شناسی را نیز می‌توان به نوآوریهای این پژوهش افزود. دوم) برخی از عوامل الگوی مفهومی، کاملاً جدید و منحصر به فرد است؛ برای مثال عامل حس همبستگی با شناسه‌های حس تعلق، اعتماد و کمک کردن در بعد رفتاری؛ عامل استقلال و آزادی عمل با شناسه‌های آزادی و اختیار عمل، استقلال شغلی و خودکنترلی در بعد عملکردی. سوم) استفاده‌کنندگان الگوی پیشنهادی می‌توانند از خلاصه مطالعات پیشین و نتایج کلیدی آنها در قالب چنین بررسی نظام‌مند ادبیات مربوط اطلاع یابند. چهارم) به دلیل ماهیت کلی و عام الگوی پیشنهادی امکان کاربرد در سازمانهای دولتی و غیر

دولتی را دارد. در پایان باید گفت خروجی مطالعه باید چراغ راهی برای پژوهش‌های کمی و کیفی بعد از خود شود؛ بنابراین با توجه به برخی از نتایج مهم و جدید این پژوهش به پژوهشگران آینده توصیه می‌شود: ۱ - مطالعه برای اجرای الگو و توسعه تعمیم‌پذیری یافته‌های الگو با استفاده از روش‌های کمی. ۲ - ارائه الگوی کرامت انسانی با استفاده از روش‌های آمیخته. ۳ - تأثیر الگوی معرفی شده بر کارکردهای مختلف سازمانی اعم از بهره‌وری، مسئولیت اجتماعی سازمان، عملکرد و... ۴ - مطالعه بین‌موردی در مورد کرامت انسانی در سازمان‌های ایرانی ۵ - بررسی و تحلیل شکاف کرامت انسانی بین سازمان‌های مختلف در ایران.

یادداشتها

- ۱ - در این مقاله واژه الگو و مدل مترادف گرفته شده است.
- ۲ - این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان ارائه الگوی کرامت انسانی کارکنان در سازمان‌های دولتی ایران دفاع شده توسط علی فلسفی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین است.
- ۳ - دیوید هیوم هنجارهای اخلاقی را هنجارهای غیر عقلانی می‌داند و می‌گوید: آنچه به عنوان اخلاق شناخته می‌شود، چیزی جز توجیهات نفسانی افراد نیست. به عقیده وی عقل به تنهایی نمی‌تواند در مورد اعمال اخلاقی قضاوت کند. عقل نمی‌تواند به انسان بگوید که چه کاری درست و چه کاری نادرست است. واکنش ما در برابر اعمالی چون قتل و یا دزدی به عنوان اعمالی رذیلانه مبتنی بر قضاوت عقلانی نیست؛ بلکه صرفاً مبتنی بر احساسات و عواطف درونی ماست.
- ۴ - این اندیشه کانت با آموزه‌های دینی بویژه آیات ۸ و ۹ سوره «والشمس» از قرآن کریم هم‌هنگی دارد.

منابع فارسی

- قرآن مجید. (۱۳۸۸). ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: نشر دارالقرآن کریم.
- نهج البلاغه. سید علی نقی فیض الاسلام اصفهانی (۱۳۷۹). تهران: مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام.
- افضالی، محمد علی (۱۳۸۹). کرامت انسانی و اتانازی از منظر اخلاق اسلامی. مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران. ش ۷۸: ۹۵ - ۸۳.
- باقری، محمد حسین (۱۳۸۶). فطرت و کرامت انسانی از منظر قرآن و امام. مجله بینات. ش ۵۳: ۲۰۵ - ۱۸۲.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰). تسنیم. تفسیر قرآن کریم. ج سوم، قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵). فلسفه حقوق بشر. قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). فلسفه حقوق بشر. ج پنجم. قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۶). کرامت در قرآن. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.

- جعفری تبریزی، محمد تقی (۱۳۷۰). حق کرامت انسانی. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. ش ۲۷: ۷۷ تا ۹۸.
- حبیب زاده، محمد جعفر؛ رحیمی نژاد، اسماعیل (۱۳۸۶). کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مدرس علوم انسانی. دوره ۱۱. ش ۴: ۸۲ - ۵۱.
- خالقی، ابوالفتح؛ رشنوادی، حجت الله (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی حفظ کرامت انسانی در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بشر دوستانه اسلامی و اسناد بین المللی. فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی. س ۲. ش ۳: ۹۸ - ۷۱.
- رجبی، محمود (۱۳۸۰). انسان شناسی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغتنامه. ج ۱۱. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سالیوان، راجر (بی تا). اخلاق در فلسفه کانت. ترجمه عزت‌الله فولادوند (۱۳۸۰). تهران: انتشارات طرح نو.
- سلکاینده، نیل جی (۱۳۸۵). کاربرد آمار و SPSS در پژوهش‌های علوم انسانی. ترجمه خلیل میرزایی و علی بقایی سرابی. تهران: انتشارات حفیظ.
- سیدی نیا، سید اکبر (۱۳۸۷). کرامت انسانی و اقتصاد. فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی. س ۸. ش ۲۹: ۱۴۱ - ۱۱۱.
- صادق پور، طیبه (۱۳۸۶). کرامت انسانی در قرآن مجید. مجله بینات. ش ۵۳: ۶۷ - ۵۱.
- صادقی، محمود (۱۳۸۵). کرامت انسانی، مبنای منع شبیه‌سازی انسان در اسناد بین المللی. مجله پژوهش‌نامه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران. ش ۲ و ۳: ۱۳۸ - ۱۱۷.
- صالحی، حمیدرضا؛ عباسی، محمود (۱۳۹۰). کرامت انسانی فصل الخطاب اندیشه‌های دینی و تفکرات اخلاقی. فصلنامه اخلاق پزشکی. س ۵. ش ۱۶: ۳۹ تا ۷۸.
- طباطبایی، سید احمد (۱۳۹۰). تبیین سیاست های کلی نظام اداری کشور. تهران: نشر فرازما پردازش.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۳). تفسیر میزان. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. ج ۱۳. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۵). کرامت انسانی و خشونت در اسلام. پژوهشنامه علوم سیاسی، ش ۳: ۱۲۲ - ۹۹.
- قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۲). حقوق بشر در جهان معاصر. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). یادداشتهای استاد مطهری. تهران: انتشارات اسراء.
- موید نیا، فریبا (بی تا). توحید و کرامت انسانی از منظر دین اسلام. مجله مکتب اسلام
- میر احمدی، منصور، کمالی گوکی (۱۳۹۳). تحلیل مفهوم کرامت انسانی در اندیشه سیاسی شیعه: مطالعه موردی اندیشه امام خمینی (ره). پژوهشنامه انقلاب اسلامی. س ۲. ش ۱۰: ۵۰ - ۲۷.
- نژاد سلیم، عادل (۱۳۸۷). کرامت انسانی و سازمان. چ دوم. تهران: انتشارات مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی

ایران.

هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. ج ششم. ج اول. تهران: نشر میزان.

منابع انگلیسی

- Andorno, R. (2009), Human dignity and human rights as a common ground for a global bioethics. **Journal of Medicine and Philosophy**, 1-15.
- Catalano, A. (2013). Patterns of graduate students information seeking behavior: a meta-synthesis of the literature. **Journal of Documentation**. 69(2), 243-274.
- Deryck, B., & Roger, B. (2001). **Human Dignity in Bioethics and Biolaw**. Oxford University Press.
- Gamer, B. A. (1991). **Black's Law Dictionary**. 6th, USA: Thomson West Publisher.
- Nordenfelt, L. (2004). The Varieties Dignity. **Health Care Analysis**, Vol. 12, No.2:69-81.
- O'Mathuna, D. P. (2013). Human Dignity and the Ethics of Human Enhancement, **Trans-Humanities**, Vol.6 No.1: 99-120.
- Paterson, B., Thorne, S., Canam, C., Jillings, C. (2001). **Meta-Study of Qualitative Health Research**. London: Sage
- Sandelowski, M., & Barros, J. (2007). **Handbook for synthesizing Qualitative Research**. Springer Publishing Company Inc.
- Schreiber, R., Crooks, D., Stern, P.N. (1997). **Qualitative metaanalysis**. In: Morse JM, editor. **Completing a qualitative project: Details and dialogue** Thousand Oaks, CA: Sage, 311-326.
- The Oxford Encyclopedic, **English Dictionary**, New York, Oxford University Press, 1996.

